

توسعه گردشگری و تغییر الگوهای فرهنگی در نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستای آسیاب‌سر، شهرستان بهشهر، استان مازندران)

مهدی کروبی^۱

شیما بذرافشان^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۰

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۲۳

چکیده

یکی از انواع گردشگری که در کشور ما همواره افراد زیادی را به خود جذب می‌کند، گردشگری روستایی است. گردشگری پدیده‌ای است که باعث افزایش تعاملات اجتماعی می‌شود و افزایش تعاملات اجتماعی می‌تواند نگرش و رفتار افراد را تحت تأثیر قرار دهد و گسترش این امر امکان تغییرات فرهنگی را فراهم می‌کند. روستای آسیاب‌سر واقع در استان مازندران در سال‌های اخیر یکی از مقاصد گردشگران بوده است. پژوهش حاضر به بررسی تغییرات فرهنگی بومیان روستای مذکور که ناشی از گسترش تعاملات با گردشگران است، پرداخته است. روش مورد استفاده برای گردآوری داده‌ها در این پژوهش، پیمایش بوده است. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسش‌نامه ساخت‌یافته است و داده‌های گردآوری‌شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. برای بررسی همبستگی آماری میان گردشگری و مؤلفه‌های تغییر فرهنگی از آزمون میانگین استفاده شده است. یافته‌های حاصل از این پژوهش حاکی از آن است که گردشگری در تغییر مؤلفه‌های سبک پوشاک، مصرف مواد غذایی، گسترش مصرف‌گرایی، زبان و گویش بومی و سبک ازدواج در روستای مورد مطالعه نقش داشته است.

کلیدواژه: توسعه گردشگری، گردشگری روستایی، تغییر الگوهای فرهنگی، روستا، روستای آسیاب‌سر.

مقدمه و طرح مسئله

امروزه صنعت گردشگری در دنیا، یکی از منابع مهم درآمد است و به‌عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی جهان، حائز جایگاه ویژه‌ای است. از سویی دیگر گردشگری از نظر فرهنگی دارای اهمیت است؛ چراکه موجب افزایش آگاهی جوامع از شیوه‌های زندگی یکدیگر و در نتیجه اتحاد و پیوند بیشتر اقوام، مذاهب و فرهنگ‌های مختلف می‌شود (نیک‌بین و کرمی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). از این رو، بسیاری از کشورها در رقابتی نزدیک و فشرده، در پی افزایش بیش از پیش منافع و عواید خود از این فعالیت بین‌المللی هستند. یکی از انواع گردشگری که در سال‌های اخیر تقاضا برای آن افزایش یافته است و از این رو مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته، گردشگری روستایی است (دوه^۱، ۲۰۰۶: ۲۹). گردشگری روستایی یکی از انواع گردشگری است که شامل فعالیت‌ها و گونه‌های مختلف گردشگری در محیط‌های روستایی و پیرامون آنها می‌شود (سوتریدز^۲، ۲۰۰۲: ۶۱۷). در یک مفهوم کلی می‌توان گردشگری روستایی را فعالیت گردشگری در حوزه غیرشهری تعریف کرد که فعالیت‌های انسانی در آن غالباً در بخش کشاورزی است (اوپرمن^۳، ۱۹۹۶: ۸۸). توسعه گردشگری در مناطق روستایی، یکی از راه‌های نجات روستاها از فقر، مهاجرت و مشکلات اجتماعی و اقتصادی به‌شمار می‌رود. در اکثر نواحی روستایی، به دلیل غالب بودن اقتصاد کشاورزی و آسیب‌پذیری آن، توجه به دیگر فعالیت‌های توسعه‌ای نظیر گردشگری به‌عنوان مکمل این بخش می‌تواند از جنبه‌های مختلف، تضمینی در بهبود شرایط زندگی روستاییان باشد (مهدوی، قدیری معصوم و قهرمانی، ۱۳۸۶: ۴۰). بسیاری از محققان و صاحب‌نظران بر این باورند که امروزه گردشگری روستایی و فعالیت‌های مرتبط با آن، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اقتصاد روستایی و منبعی بالقوه برای تنوع‌بخشی به آن در راستای نیل به توسعه پایدار روستایی مطرح است (عینالی و همکاران، ۱۳۹۲: ۵۳).

بر اساس مطالعات انجام‌شده، در تمام ادوار زندگی اجتماعی بشر هیچ قوم و ملتی یافت نشده که فرهنگ آنها ثابت و استوار مانده باشد (زند و کیلی، ۱۳۸۳: ۶۵). این تغییرات در فرهنگ‌ها عموماً به‌سبب تغییر در محیطی است که افراد با آن تعامل می‌کنند



1. Doh
2. Soteriades
3. Oppermann

یا اینکه نتیجه ورود افراد بیگانه است. همچنین عواملی مانند اختراعات، اکتشافات، نوآوری‌ها، افزایش جمعیت، تحولات بوم‌شناختی، جنگ‌ها و تماس فرهنگ‌ها در تغییرات فرهنگی دخالت دارند (اقابو آگبا^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۳۵۶). علاوه بر موارد مذکور، پژوهش‌ها نشان داده است که یکی از عوامل ایجاد تغییرات فرهنگی در جوامع مقصد، گردشگری است (مونتریبو^۲، ۲۰۱۱: ۱). گسترش فزاینده گردشگری در سال‌های اخیر، در جهتی مثبت یا منفی به رودرویی اثربخش یا منازعه‌آمیز افراد و گروه‌های مختلف با زمینه‌های فرهنگی متنوع منجر شده است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴). تفاوت‌های فرهنگی میان ساکنان و گردشگران می‌تواند زمینه‌ساز بروز تغییرات فرهنگی در جامعه مقصد شود. این تغییرات مرتبط با نظام‌های ارزشی، باورهای مذهبی، سنت‌ها، سبک‌های زندگی، رسوم، شیوه‌های رفتاری، سبک‌های پوشش، ادراک، نگرش‌ها و سایر ویژگی‌ها است (سری^۳، ۲۰۱۰: ۳۷).

در دهه ۱۹۸۰ میلادی ضرورت توجه به فرهنگ آشکار و در دهه ۱۹۹۰ میلادی اهمیت آن انکارناپذیر شد؛ تا آنجا که برخی معتقدند شاید دلیل بسیاری از نابسامانی‌ها و گمراهی‌های طرح‌های توسعه به معنای عام و توسعه روستایی به معنی خاص در جهان را باید در بی‌اعتنایی به فرهنگ ردیابی کرد. اهمیت فرهنگ در دو جنبه خلاصه می‌شود: نخست جایگاهی که در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری نقشی که در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰). فرهنگ تعیین می‌کند که افراد یک جامعه چگونه فکر و احساس کنند؛ فرهنگ اعمال آنها را هدایت می‌کند و دید آنها را به زندگی تعریف می‌کند. بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، به اشتباه مواهب طبیعی و توانمندی صنعتی را شایستگی‌های محوری و اصلی خود تلقی کردند و نقش فرهنگ را به‌عنوان بستر و زیرساخت اصلی نادیده گرفتند. اما به تدریج و با پیچیده‌تر شدن اوضاع و ناکامی بسیاری از کشورها، سیاست‌گذاران به بازبینی و مطالعه مسائل و تنگناهای موجود پرداختند و دریافتند که عملاً بدون وجود شالوده فرهنگی مناسب و بارور، دستیابی به توسعه، توهمی بیش نیست (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷). بر این اساس، پرداختن به تغییرات فرهنگی



1. Oghabo Agba
2. Monterrubio
3. Sari



از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است، چراکه عدم توجه به آن سبب بروز مسائل و آسیب‌های بسیاری در سطوح خرد و کلان و فردی و اجتماعی خواهد شد. روستای آسیاب‌سر یکی از چهار روستای هدف گردشگری در استان مازندران است^۱ که در سال‌های اخیر تقاضا برای گردشگری روستایی در آن افزایش چشمگیری پیدا کرده است؛ به طوری که بنا به گفته دهیار روستا، در ایام تعطیلات نوروز، روزانه چهارصد گردشگر وارد این روستا می‌شوند و از جاذبه‌های گردشگری آن دیدن می‌کنند^۲. ورود و خروج افراد جامعه از شهر به روستا به منظور گذران اوقات فراغت، سبب شده است که برخوردها و تعاملات اجتماعی میان شهرنشینان و روستاییان گسترش یابد و این تعاملات می‌تواند بستری برای ایجاد تغییراتی در فرهنگ جامعه میزبان فراهم آورد. از این رو، پژوهش حاضر بر آن است که به بررسی و تحلیل ادراک ساکنان روستای آسیاب‌سر از نقش گردشگری در تغییرات فرهنگی روستا پردازد. از این رو مقاله حاضر درصدد است به پرسش زیر پاسخ دهد: براساس ادراک ساکنان محلی، آیا گردشگری در تغییرات فرهنگی روستای آسیاب‌سر نقش داشته است؟

مبانی نظری

فرهنگ

فرهنگ به معنای الگوهای رفتاری آموخته شده‌ای است که از نسلی به نسل دیگر یا گروهی به گروه دیگر منتقل می‌شود و بر پایه واقعیت‌های ذهنی و اجتماعی شکل می‌گیرد. هر جامعه بشری، نظام اجتماعی و فرهنگی خود را دارد که به طور کلی، نمودی است خاص و بی‌همتا از فرهنگ بشری. اما نظام‌ها از نظر ساخت با هم متفاوت‌اند. در هر نظامی با توجه به زیست‌گاه‌های طبیعی، منابع، زبان و غیره، فرهنگ خاصی حاکم است (شمس و امینی، ۱۳۸۸: ۸۴). تعاریف متفاوتی از فرهنگ ارائه شده است. از میان این تعاریف، تعریف تیلور^۳ به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. از نظر وی فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، اعتقادات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان

1. ecotourism.ichto.ir

2. www.irna.ir

3. Taylor

عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۱۸-۱۷). گیدنز^۱ فرهنگ را مشتمل بر دو نوع مادی و معنوی می‌داند و معتقد است که از سه عنصر مهم که در بستر زمان شکل می‌گیرند، تشکیل شده است: ۱. ارزش‌ها و ایدئال‌های مجردی که اعضای گروه اجتماعی به آنها اعتقاد دارند. ۲. هنجارها و اصول قطعی اجتماعی که اعضا باید آنها را رعایت و از آن پیروی کنند. ۳. کالاهای مادی با ویژگی‌های خاص که اعضای گروه تولید می‌کنند (نقوی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

با وجود تعاریف مختلفی که از فرهنگ وجود دارد، همه آنها جوانب مشترکی دارند که تقریباً همه محققان آنها را به‌عنوان مشخصه‌های فرهنگ پذیرفته‌اند؛ از جمله، فرهنگ در تعامل‌های سازش‌پذیر پدیدار می‌شود؛ دارای اجزای مشترک است و در طول دوره‌های زمانی به نسل‌های مختلف منتقل می‌شود (تریانندیس^۲، ۱۳۸۸: ۴۸). در بیان صفات و ویژگی‌های فرهنگ، تغییرپذیری از اصلی‌ترین آنها است، زیرا فرهنگ نمی‌تواند به‌صورت راکد و بدون تغییر باقی بماند. از آنجاکه فرهنگ در جهت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی طی زمان، مکان و موقعیت‌های متفاوت است، دچار تغییرات و دگرگونی می‌شود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۸۶).

تغییر فرهنگی

یکی از ویژگی‌های مهم فرهنگ، دگرگونی مداوم آن برای ایفای کارکردهایش است (پناهی، ۱۳۷۶). واژه تغییر فرهنگی دربرگیرنده حوزه بسیار وسیعی است. تغییر فرهنگی هرگونه تغییر در شیوه زندگی مردم، مادی و غیرمادی است که می‌تواند نتیجه نوآوری، اختراع و فرهنگ‌پذیری باشد (تاخرو^۳، ۲۰۰۲: ۴). تغییر فرهنگی شامل کلیه تغییراتی است که در هر بخشی از فرهنگ اتفاق می‌افتد که شامل هنر، علم، فناوری، فلسفه و ... و همچنین تغییرات در اشکال و نقش‌های سازمان اجتماعی می‌شود (چونگ‌لوی^۴، ۲۰۱۳: ۲۰). رساترین تعریف در مورد تغییر فرهنگی توسط اینگلههارت^۵ ارائه شده است. او تغییر فرهنگی را به معنای جابه‌جایی فرهنگی به کار برده است. از نظر او تغییرات فرهنگی به لحاظ جابه‌جایی ارزش‌ها در جامعه پیشرفته صنعتی رخ می‌دهد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۷: ۹۲).

1. Giddens
2. Triandis
3. Thakro
4. Chongloi
5. Inglehart





جامعه‌شناسان بسیاری متفق‌القول هستند که جوامع مختلف برای ادامه حیات خود نیازمند تماس و برقراری ارتباط با یکدیگر هستند و در این ارتباط و تماس، ناگزیر از ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی یکدیگر تأثیر می‌پذیرند (ناطق‌پور، ۱۳۸۰: ۱۱). به‌طورکلی عوامل مؤثر بر فرهنگ را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: ۱. عوامل ذاتی که مربوط به خود فرهنگ است. ۲. عوامل درونی که مربوط به جامعه‌ای است که یک فرهنگ در آن وجود دارد. ۳. عوامل بیرونی که مربوط به عوامل خارج از مرزهای جغرافیایی است (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۷۰).

تغییرات فرهنگی گاهی از دیدگاه ساختارگرایی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. این نظریه به تغییر معتقد است و آن را درون ساختارهای اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌داند. ساختارگرایان بر این باورند که در طول زمان، شکل ساختی ثابت می‌ماند؛ اما ساخت واقعی که شامل شبکه روابط اجتماعی است، در معرض دگرگونی‌های چشمگیری قرار می‌گیرد. این بدان معناست که ساخته‌ای اجتماعی مانند خانواده ثابت باقی می‌ماند، اما روابط افراد درون این ساخت تغییر می‌کند (ریویر^۱، ۱۳۷۹: ۸۲). از دیگر نظریه‌هایی که معتقد به بروز تغییرات در طول زمان هستند، می‌توان به نظریه اشاعه‌گرایی اشاره کرد. بر اساس این نظریه، فرهنگ جوامع از یک یا چند مرکز نشئت گرفته و در اثر اقتباس، تقلید یا اخذ یک فرهنگ از فرهنگ دیگر شباهت‌هایی بین فرهنگ‌ها به وجود آمده است (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اشاعه‌گرایان تغییر را عموماً نشانی از تأثیرپذیری از محیط بیرونی می‌دانند که از خلال هم‌جواری یا انتقال و حرکت، فرهنگ مبدأ را به محیط فرهنگ مقصد رسانده است. آنها کمتر به توانایی فرهنگ‌ها در کشف و ابداع باور دارند و بیشتر به قابلیت آنها در تقلید و فرهنگ‌پذیری تأکید می‌کنند (فاستر^۲، ۱۳۷۸: ۱۴۵). بر اساس نظریه کارکردگرایی، در مطالعه تغییرات فرهنگی، پیوستگی و کلیت اجزا و عناصر اصلی آن مهم است؛ زیرا با تکیه بر این نظریه می‌توان فرایندها و تغییرات فرهنگی نواحی روستایی را بازشناخت. در نظریه کارکردگرایی، منظور از اصل جامعیت آن است که هر پدیده مادی و اجتماعی به‌عنوان جزء در نظر گرفته شده و در رابطه با کل تحلیل می‌شود. مکتب کارکردگرایی اجزای فرهنگ را دارای پیوستگی و وابستگی متقابل می‌داند (پورطاهری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۲۰).

1. Riviere
2. Foster

بسیاری از محققان هر جامعه را به صورت صحنه رویارویی و تأثیرات متقابل دو نیرو فرض کرده‌اند. یکی نیرویی که مردم را به طرف تغییر می‌کشاند و دیگری نیرویی که آنان را به حفظ وضع موجود وامی‌دارد. نیروی اول تلاش می‌کند که برای استقرار خود توازن نیروی دوم را بر هم زند و دومی سعی دارد تا اولی را از رسیدن به مقصود بازدارد. از آنجاکه گرایش به تغییر اصل بنیادی فرهنگ است، همیشه نیروهای نوآور با کنار زدن تدریجی نیروهایی که حافظ وضع موجود هستند، جایی برای خود باز می‌کنند و موجب تغییر می‌گردند (فاستر، ۱۳۷۸: ۴۵). در مواردی طیف تغییرات به گونه‌ای وسیع و شدید است که می‌تواند از طریق ایجاد تغییرات اساسی در ارزش‌های اجتماعی - اخلاقی به استحاله اخلاقی نیز بیانجامد. استحاله فرهنگی فرایندی است که در آن تغییرات در فرهنگ جامعه میزبان ابتدا موقتی است و سپس جنبه استعماری و مخرب پیدا می‌کند (کولینز^۱، ۱۹۷۸: ۲۷۹). همچنین دوگانگی اجتماعی بدان جهت که جوانان سعی در پذیرش عناصر فرهنگ بیگانه و تغییر در سنن نهادینه خود دارند و در نقطه مقابل سالمندان مصرانه بر حفظ و بقای آن پافشاری می‌کنند، می‌تواند به مهاجرت نسل جوان و جوان‌زدایی منجر شود، چراکه جوانان در برابر نمادها و ظواهر مرتبط با گردشگران قرار می‌گیرند و لذا افق دیگری پیش روی آنها گشوده می‌شود و تاب مقاومت در برابر سالمندان سنت‌گرا را ندارند (شاوز^۲ و ویلیامز^۳، ۲۰۰۲: ۱۰۲). می‌توان تغییر فرهنگی را به صورت طیفی در نظر گرفت که نقاط مختلف آن حاکی از درجه‌های متفاوت از لحاظ شدت دگرگونی است و آنچه مراتب این دگرگونی را به وجود می‌آورد، دو عامل زمان و فراگیری تغییر است. بالاترین مرتبه تحول به مجموعه تغییراتی اطلاق می‌شود که در یک دوره طولانی طی یک یا چند نسل در جامعه رخ می‌دهد. در نقطه دیگر این تحولات، یک طیف از تغییراتی وجود دارد که به عنوان پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه مورد مطالعه قرار می‌گیرند؛ به صورتی که هرکس در طول زندگی خود می‌تواند آن تغییر را شخصاً تعقیب نماید و نتیجه آن را ببیند (عبدی، ۱۳۸۹: ۲۱). میزان آمادگی جامعه میزبان برای پذیرش تحول، مقدار مالکیت افراد بومی و درگیر بودن آنها در این قسم از فعالیت و تصویری که از طریق



1. Collins
2. Shaws
3. Williams

رسانه‌ها و تبلیغات از گردشگران و جامعه میزبان در اختیار است نیز از جمله عوامل مؤثر در طیف تغییرات فرهنگی است (تولایی و شاهدی، ۱۳۸۷: ۱۹۶).

فرهنگ‌پذیری و اشاعه فرهنگی

فرهنگ‌پذیری گونه‌ای خاص از تغییر فرهنگی به حساب می‌آید (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۰۴). فرهنگ‌پذیری را نباید با تغییر فرهنگی همسان گرفت. فرهنگ‌پذیری عبارت است از رواج پدیده‌هایی که در اثر تماس مستقیم و مداوم بین گروه‌هایی از افراد با فرهنگ‌های مختلف به وجود می‌آید. پدیده‌هایی که از مدل‌های فرهنگی یک یا دو گروه نشئت گرفته است (روح‌الامینی، ۱۳۷۹: ۹۹). به عبارت دیگر فرهنگ‌پذیری به آن دگرگونی فرهنگی [ای] اطلاق می‌شود که بر اثر تماس‌های گسترده و مستقیم میان دو یا چندین گروه رخ می‌دهد که پیش از این تماس، گروه‌های مستقلی بودند (بی‌تس^۱ و پلاگ^۲، ۱۳۷۵: ۷۲۲). فرهنگ‌پذیری فرایندی دائمی، پایدار و پویا و نه مقطعی یا موقتی است که متضمن پذیرش انتقال عناصر قوی فرهنگ دیگری از جمله باورها و مقدسات آن و نیز اخذ مدل‌های فکری فرهنگ دیگر است که منجر به تغییراتی در الگوهای فرهنگی اولیه گروه‌ها یا جوامع مزبور می‌شود (دهشیری، ۱۳۸۸: ۱۸۳). عموماً دو فرهنگی که با یکدیگر در تماس هستند، به ندرت به صورت دوسویه و به یک میزان فرهنگ‌پذیر می‌شوند. به عبارت دیگر، فرهنگ‌پذیری یک وام‌گیری فرهنگی به شکل روابط فرماندهی و فرمانبری است و اغلب پایگاه بالاتر انگیزه‌ای برای پذیرش عناصر و ایده‌های جدید می‌شود. آن گروه‌هایی که در جامعه پایین‌تر هستند، فکر می‌کنند که اگر نقش گروه مسلط را بگیرند، همان احترامی که برای گروه‌های مسلط قائل‌اند برای آنها نیز قائل می‌شوند و در صورتی که هیچ گروهی به وضوح مسلط نباشد، در پذیرفتن عناصر حالت تدافعی می‌گیرند و هر گروه اجتماعی سعی می‌کند هویت خویش را به دست آورد (واگو^۳، ۱۳۷۳: ۱۵۸).

یکی از عوامل بیرونی دگرگونی فرهنگی، اشاعه فرهنگی است. اشاعه فرهنگی فرایندی است که از طریق آن عناصر یا مجموعه‌های فرهنگی از یک فرهنگ یا جامعه به فرهنگ یا جامعه دیگر منتقل می‌شوند و به تدریج جذب فرهنگ اخیر گشته و سبب دگرگونی آن می‌گردند (پناهی، ۱۳۷۶: ۵۳). اشاعه فرهنگی از طریق مهاجرت‌های



فصلنامه علمی- پژوهشی

۸۰

دوره هشتم
شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

1. Bates
2. Plug
3. Vago

موقت و دائم و تماس بین فرهنگ‌ها امکان‌پذیر می‌شود که در این صورت مرز مشترک با فرهنگ‌پذیری پیدا می‌کند. فرهنگ‌پذیری نوعی از اشاعه فرهنگی از طریق تماس نزدیک و مداوم بین فرهنگ‌ها است که می‌تواند اختیاری یا تحمیلی باشد. دو فرهنگ که در تماس با هم قرار می‌گیرند، در یکدیگر اثر می‌گذارند و عناصری از یکی به دیگری منتقل می‌شود (واگو، ۱۳۷۳: ۱۶۰-۱۵۷).

تغییر فرهنگی به میزان چشمگیری بر اثر اشاعه فرهنگ تحقق می‌یابد. از اشاعه هنگامی سخن می‌گوییم که مردمان فرهنگ‌های مختلف به نوعی در تماس با هم قرار می‌گیرند. هر جامعه‌ای بسته به اینکه عناصر جدید با کل بدنه فرهنگ پذیرنده سازگاری دارد یا نه، ممکن است عناصر فرهنگی جدیدی را بپذیرد یا طرد کند. از آنجاکه فرهنگ‌ها کلیتی درهم‌تافته‌اند، در جریان تغییر فقط به افزودن یا کاستن خصوصیات فرهنگی دیگر اکتفا نمی‌کنند. هر عنصر پذیرفته جدیدی باید با مجموعه کارکردهای فرهنگ پذیرنده سازگاری داشته باشد و از این رو اغلب عنصر تازه وارد اگر یکسره جا نیفتد، در روند پذیرش در معرض دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرد. تماس فرهنگی فقط صرف افزودن عناصر جدید به ساختار فرهنگی موجود نیست. بلکه ممکن است در جریان تماس فرهنگی تغییراتی نیز سر برآورد. ساختارهای یکی یا هر دو فرهنگ در تماس را با شتاب زیاد تغییر دهد و به بازسازی ساختاری بکشانند (پهلوان، ۱۳۷۸: ۱۰۴).

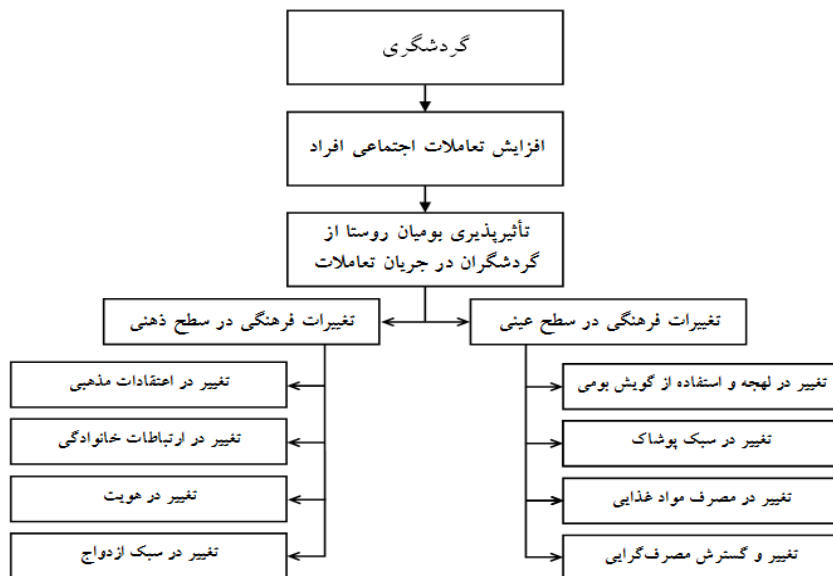
هریک از پژوهش‌هایی که در ارتباط با تغییرات اجتماعی ناشی از گردشگری انجام شده‌اند از زوایای خاصی به بررسی این تغییرات پرداخته‌اند و ابعاد خاصی از آن را مد نظر قرار داده‌اند. چراکه با توجه به گسترده بودن ابعاد تغییر فرهنگی، مطالعه تمام آنها در یک پژوهش نمی‌گنجد. در پژوهش حاضر نیز ابعاد خاصی از تغییرات فرهنگی مد نظر قرار گرفته‌اند که با توجه به فراوانی آنها در سایر پژوهش‌های انجام‌شده، نظرخواهی از اساتید گردشگری و همچنین مشاهده میدانی محققان از روستای مورد مطالعه، انتخاب شده‌اند.

مدل نظری تحقیق

تغییرات فرهنگی که در نتیجه توسعه گردشگری در مناطق گردشگرپذیر ایجاد می‌شود، در دو سطح عینی و ذهنی صورت می‌پذیرد. تغییرات عینی، تغییر در شیوه‌های مادی و



ملموس زندگی افراد است و تغییرات ذهنی، تغییر در سطوح درونی و پنهانی زندگی را شامل می‌شود. در مدل نظری تحقیق به متغیرهای هر یک از این سطوح اشاره شده است.



فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اصلی: توسعه گردشگری در تغییرات فرهنگی روستای آسیاب‌سر نقش داشته است. با توجه به ادبیات موضوع و شاخص‌های متعدد مرتبط با تغییرات فرهنگی، صحت فرضیه اصلی تحقیق در قالب فرضیه‌های فرعی پژوهش به شرح زیر مورد آزمون قرار گرفته است: فرضیه فرعی اول: توسعه گردشگری در تغییر سبک پوشاک در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی دوم: توسعه گردشگری در تغییر مصرف مواد غذایی در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی سوم: توسعه گردشگری در گسترش مصرف‌گرایی در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی چهارم: توسعه گردشگری در تغییر زبان و گویش بومی در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی پنجم: توسعه گردشگری در تغییر ارتباطات خانوادگی در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی ششم: توسعه گردشگری در تغییر هویت در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی هفتم: توسعه گردشگری در تغییر سبک ازدواج در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

فرضیه فرعی هشتم: توسعه گردشگری در تغییر اعتقادات مذهبی در روستای آسیاب‌سر نقش داشته است.

طراحی سؤالات در راستای سنجش شاخص‌های تغییر فرهنگی با بررسی متون و ادبیات مربوط، مطابق جدول (۱) انجام گرفته است.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های مورد بررسی تغییرات فرهنگی

مفهوم	مؤلفه‌ها	گویه‌ها (متغیرها)	تعداد
تغییرات فرهنگی	سبک پوشاک	میزان استفاده از پوشاک رایج، نوع پوشاک، رنگ پوشاک، پیروی از مد، سبک آرایش مو، میزان تمایل فرزندان به پوشیدن لباس سنتی و محلی.	۶
	مصرف مواد غذایی	استفاده از غذای محلی، استفاده از غذای آماده، محل مصرف غذا، روش مصرف غذا، راه‌های تهیه مواد لازم برای طبخ غذا، میزان تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی.	۶
	گسترش مصرف‌گرایی	نوع وسایل مورد استفاده، میزان استفاده از وسایل تزیینی، میزان مصرف وسایل.	۳
	زبان و گویش بومی	گویش غالب در منزل، میزان استفاده از لهجه و زبان محلی، آکراه مردم بومی از صحبت با گویش بومی.	۳
	ارتباطات خانوادگی	احترام به پدر و مادر از سوی افراد خانواده، احترام به بزرگ‌ترهای روستا، زمان‌های دیدن یکدیگر توسط افراد خانواده، همدلی و همدردی افراد خانواده با یکدیگر، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده، احساس امنیت و خوشبختی در خانواده.	۶
	هویت	پاسدداشت عیدها و سنت‌ها، توجه به میراث فرهنگی، افتخار به روستایی بودن، میزان تعصب به فرهنگ و آداب و رسوم روستا، اعتماد به نفس، توجه به توان خود.	۶
	سبک ازدواج	سبک برگزاری ازدواج، سن ازدواج، نوع همسر یابی و همسرگزینی توسط والدین برای افراد خانواده.	۳
	اعتقادات مذهبی	میزان شرکت در نماز جمعه، میزان رفتن به مسجد، میزان شرکت در جلسات قرآن، میزان شرکت در جشن‌ها و عزاداری‌های مذهبی، توسل به ائمه (ع).	۵



محدوده مورد مطالعه

روستای آسیاب‌سر از توابع بخش مرکزی شهرستان بهشهر، در شش کیلومتری جنوب غربی شهرستان بهشهر قرار دارد. این روستا از سطح دریا شش متر ارتفاع دارد و آب‌وهوای آن تحت تأثیر اقلیم جلگه‌ای است و زمستان‌های معتدل و تابستان‌های گرم دارد. درآمد اکثر مردم روستا از فعالیت‌های زراعی، دامداری و باغداری تأمین می‌شود. رودخانه کوهستان و چشمه‌های پرآبی همچون میان‌چشمه، شمشیربر و سرچشمه از جاذبه‌های طبیعی این روستا هستند. حاشیه جنوبی روستای آسیاب‌سر، از جنگل‌هایی انبوه با انواع درختان توسکا، آزاد، اوجا و طوق پوشیده شده است. آرامگاه امیر کمال‌الدین، امیر جمال‌الدین و همچنین خانه‌های تاریخی آیت‌الله هاشمی‌نسب و آیت‌الله کوهستانی از مکان‌های تاریخی و دیدنی روستا به‌شمار می‌روند. در ارتفاعات جنوبی و جنوب غربی روستا نیز، آثار تاریخی قلعه شاه‌نشین و آتشکده کوسان واقع شده‌اند. قلعه شاه‌نشین در جنوب روستای آسیاب‌سر و بر بالای ارتفاعات آن واقع شده است و تحت شماره ۵۴۰۵ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است^۱.

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه خانوارهای روستای آسیاب‌سر تشکیل می‌دهند. طبق سرشماری انجام‌شده از خانوارهای روستایی در سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارهای این روستا ۴۴۸ نفر بوده است که از میان آنها با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۰ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق، نمونه‌گیری در دسترس بوده است. به‌منظور گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای محقق‌ساخته در قالب طیفی با دامنه ۱ (مخالف) تا ۳ (موافق) طراحی شد و در اختیار ساکنان روستا قرار گرفت. پرسش‌نامه مذکور متشکل از دو بخش است. بخش نخست مرتبط با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد و بخش دوم در ارتباط با تغییرات فرهنگی ایجادشده در منطقه مورد مطالعه، بر اساس شاخص‌های تغییرات فرهنگی است.

برای آزمون روایی پرسش‌نامه از روایی صوری و محتوایی استفاده شد، به‌طوری‌که پرسش‌نامه در اختیار اساتید و کارشناسان ارشد حوزه مربوط قرار گرفت و پس از چند



بار بازمینی به تأیید نهایی آنها رسید. پایایی پرسش‌نامه نیز با انجام آزمون پایلوت بر روی سی نفر از افراد نمونه و همچنین کسب ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷۰٪ برای کل پرسش‌نامه و همچنین هریک از مؤلفه‌های تغییرات فرهنگی (سبک پوشاک = ۰/۷۷٪، مصرف مواد غذایی = ۰/۸۵٪، گسترش مصرف‌گرایی = ۰/۷۳٪، زبان و گویش بومی = ۰/۸۵٪، ارتباطات خانوادگی = ۰/۹۲٪، هویت = ۰/۷۶٪، سبک ازدواج = ۰/۹۴٪ و اعتقادات مذهبی = ۰/۸۸٪)، تأیید شد.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه و آزمون فرضیات، از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است؛ بدین صورت که ابتدا جهت تلخیص و طبقه‌بندی اطلاعات، از روش‌های آمار توصیفی و در قسمت بعد به منظور آزمون فرضیات تحقیق از روش‌های آمار استنباطی استفاده شده است. برای آزمون فرضیات تحقیق، از نرم‌افزار SPSS مبتنی بر آماره آزمون T استفاده شد. به منظور بررسی نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی مؤثر بر ادراک جامعه محلی از نقش گردشگری در تغییرات اجتماعی روستای آسیاب‌سر، با توجه به مقایسه متغیرها، از آزمون‌های تحلیل واریانس یک‌طرفه (ANOVA) و T با دو نمونه مستقل استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فردی پاسخ‌دهندگان به تفکیک بیان می‌شود. در قسمت بعد با استفاده از آزمون‌های آماری به رد یا پذیرش فرضیه‌ها می‌پردازیم.

جدول ۲. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان

درصد	تعداد	ویژگی	
۵۴	۱۱۳	مرد	جنس
۴۶	۹۷	زن	



ادامه جدول ۲. ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

درصد	تعداد	ویژگی	
۵۹	۱۲۴	متاهل	وضعیت تأهل
۴۱	۸۶	مجرد	
۹	۱۹	بی سواد	تحصیلات
۳۱	۶۵	زیر دیپلم	
۲۹	۶۱	دیپلم	
۱۷	۳۶	فوق دیپلم	
۱۲	۲۵	لیسانس	
۲	۴	بالتر از لیسانس	
۱۴	۳۰	بیکار	
۱۷	۳۶	کارمند	
۱۵	۳۱	کارگر	
۲۰	۴۲	کاسب	
۷	۱۵	دانشجو	
۲۴	۵۰	خانه دار	
۳	۶	کشاورز	
۲۷	۵۷	۲۰-۲۹	سن
۲۵	۵۲	۳۰-۳۹	
۲۳	۴۸	۴۰-۴۹	
۱۷	۳۶	۵۰-۵۹	
۸	۱۷	۶۰-۷۰	
۴۰	۸۴	کمتر از ۳۰۰ هزار تومان	درآمد ماهیانه
۱۴	۳۰	بین ۳۰۰-۴۹۹ هزار تومان	
۲۲	۴۶	بین ۵۰۰-۶۹۹ هزار تومان	
۱۲	۲۵	بین ۷۰۰-۸۹۹ هزار تومان	
۹	۱۹	بین ۹۰۰ تا یک میلیون و صد هزار تومان	
۳	۶	بیش از یک میلیون و صد هزار تومان	



فصلنامه علمی- پژوهشی

۸۶

دوره هشتم
شماره ۲
تابستان ۱۳۹۴

به منظور آزمون فرضیات تحقیق از آزمون تی تک نمونه ای استفاده شده است. با توجه به سه گزینه ای بودن پاسخها، ارزش آزمون عدد (۲) در نظر گرفته شده است.

فرضیه اصلی تحقیق: بین توسعه گردشگری و تغییرات فرهنگی روستای آسیاب سر رابطه وجود دارد.

فرضیه صفر (H0): پاسخگویان در رابطه با نقش گردشگری در ایجاد تغییرات فرهنگی در روستای آسیاب سر پاسخی برابر یا کمتر از ۲ داده‌اند.

فرضیه یک (H1): پاسخگویان در رابطه با نقش گردشگری در ایجاد تغییرات فرهنگی در روستای آسیاب سر پاسخی بیشتر از ۲ داده‌اند.

جدول ۳. آمارهای تک‌نمونه‌ای

تعداد	میانگین	انحراف معیار	انحراف استاندارد
۲۱۰	۲/۰۷	۰/۲۶	۰/۲۱
تغییر فرهنگی			

جدول ۴. آزمون تی تک‌نمونه‌ای

ارزش آزمون=۲					
آماره تی	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف از میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف از میانگین	
				حد بالا	حد پایین
				۳/۵۳	۱۴۹
تغییر فرهنگی					

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، سطح معناداری آزمون ۰/۰۰۱ برآورد شده است. از این رو می‌توان گفت که اختلاف میانگین پاسخ‌ها با میانگین مورد انتظار در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. از آنجا که میانگین محاسبه شده (۲/۰۷) بیشتر از میانگین مورد انتظار (۲) است، فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه اصلی تحقیق پذیرفته می‌شود. یعنی بین توسعه گردشگری و تغییرات فرهنگی در روستای آسیاب سر رابطه معناداری وجود دارد و توسعه گردشگری یکی از عوامل مؤثر در تغییرات فرهنگی در روستا است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که توسعه فعالیت‌های گردشگری، بر برخی مؤلفه‌های تغییر فرهنگی در مقصد مورد مطالعه اثراتی بر جای گذاشته است که برخی از آنها مثبت و برخی دیگر منفی بوده‌اند. جدول (۵) نگرش مردم محلی به نقش گردشگری در هریک از مؤلفه‌های فرهنگی را به تفکیک نشان می‌دهد.



جدول ۵. نگرش مردم به نقش گردشگری در تغییر مؤلفه‌های فرهنگی (آزمون T تک‌نمونه‌ای)

مؤلفه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره تی	سطح معناداری	اختلاف از میانگین	نتیجه آزمون
سبک پوشاک	۲۱۰	۲/۴۸	۰/۳۸	۱۵/۳۲	۰/۰۰۰	۰/۴۷	عدم تأیید فرض صفر
مصرف مواد غذایی	۲۱۰	۲/۲۵	۰/۶۴	۴/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۲۵	عدم تأیید فرض صفر
گسترش مصرف‌گرایی	۲۱۰	۲/۳۱	۰/۵۶	۶/۸۶	۰/۰۰۰	۰/۳۱	عدم تأیید فرض صفر
زبان و گویش بومی	۲۱۰	۲/۱۰	۰/۶۱	۲/۰۲	۰/۰۴۵	۰/۱۰	عدم تأیید فرض صفر
ارتباطات خانوادگی	۲۱۰	۱/۷۷	۰/۵۱	-۵/۵	۰/۰۰۰	-۰/۲۴	تأیید فرض صفر
هویت	۲۱۰	۱/۷۵	۰/۴۴	-۶/۸	۰/۰۰۰	-۰/۲۲	تأیید فرض صفر
سبک ازدواج	۲۱۰	۲/۲۵	۰/۵۸	۵/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۲۵	عدم تأیید فرض صفر
اعتقادات مذهبی	۲۱۰	۱/۶۸	۰/۴۴	-۸/۵۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۱	تأیید فرض صفر



بررسی وضعیت مؤلفه‌های تغییرات فرهنگی بر اساس آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که از دید ساکنان محلی، توسعه گردشگری در پنج مؤلفه سبک پوشاک، مصرف مواد غذایی، گسترش مصرف‌گرایی، زبان و گویش بومی و سبک ازدواج نقش داشته است؛ به طوری که میانگین محاسبه شده آنها بالاتر از حد متوسط (۲) بوده است. در این میان بالاترین ارزش میانگین متعلق به مؤلفه سبک پوشاک (با میانگین ۲/۴۸) بوده است. همچنین از نظر ساکنان، توسعه گردشگری در مؤلفه‌های هویت، اعتقادات مذهبی و ارتباطات خانوادگی نقشی نداشته است و در این میان مؤلفه اعتقادات مذهبی (با میانگین ۱/۶۸) کمترین ارزش میانگین را داشته است. برای درک بهتر اثرات گردشگری بر تغییرات فرهنگی، وضعیت مؤلفه‌های مرتبط با تغییر فرهنگی به تفکیک بررسی می‌شوند.

در این تحقیق مؤلفه سبک پوشاک، با استفاده از گویه‌های میزان استفاده از پوشاک رایج، نوع پوشاک، رنگ پوشاک، پیروی از مد، سبک آرایش مو و میزان تمایل فرزندان به پوشیدن لباس سنتی و محلی مورد بررسی قرار گرفت. درباره مؤلفه مذکور، میانگین مشاهده شده (۲/۴۸) بالاتر از میانگین مورد انتظار است. از این رو می‌توان گفت که گردشگری در تغییر سبک پوشاک ساکنان محلی نقش داشته است. با توسعه گردشگری تغییراتی در پوشاک ساکنان محلی، مخصوصاً جوانان روستا ایجاد شده است. افراد تمایلی به استفاده از پوشاک محلی ندارند و سعی می‌کنند از لباس‌های مد روز استفاده کنند. سبک آرایش مو نیز در سال‌های اخیر دستخوش تغییر شده است. مصرف مواد غذایی از دیگر مؤلفه‌های تغییر فرهنگی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است و میانگین مشاهده شده آن (۲/۲۵) بالاتر از میانگین مورد انتظار است. این مؤلفه با گویه‌های استفاده از غذای محلی، استفاده از غذای آماده، محل مصرف غذا، روش مصرف غذا، راه‌های تهیه مواد لازم برای طبخ غذا و میزان تغییر در الگوی مصرف مواد غذایی مورد آزمون قرار گرفت. با توسعه گردشگری، الگوی مصرف مواد غذایی در روستا تغییر کرده است و افراد تمایل بیشتری به استفاده از غذاهای آماده دارند. روش مصرف مواد غذایی نیز دستخوش تغییر شده است و با روش سنتی آن فاصله گرفته است. همچنین مواد لازم برای طبخ غذا و راه‌های تهیه آن نیز تغییر کرده است. گردشگری در حوزه مورد مطالعه موجب گسترش مصرف‌گرایی شده است، به طوری که میانگین مشاهده شده در این مؤلفه، ۲/۳۱ است. این مؤلفه با گویه‌های نوع وسایل مورد استفاده، میزان استفاده از وسایل تزئینی و میزان مصرف وسایل، مورد سنجش قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات حاصل از پرسش‌نامه، با توسعه گردشگری، تقاضای روستاییان برای خرید کالاهای مصرفی افزایش یافته است. اکنون بسیاری از وسایل مورد استفاده روستاییان نه بر اساس نیاز و ضرورت کارکردی آن، بلکه تنها به منظور تزیین خریداری و نگهداری می‌شوند. یکی دیگر از مؤلفه‌های تغییر فرهنگی در این تحقیق، زبان و گویش بومی است که با گویه‌های گویش غالب در منزل، میزان استفاده از لهجه و زبان محلی و اکراه مردم بومی از صحبت با گویش بومی سنجیده شده است. میانگین مشاهده شده برای این مؤلفه ۲/۱۰ است که حاکی از تغییر این مؤلفه در سال‌های اخیر است. تا پیش از توسعه گردشگری، گویش محلی، گویش غالب در روستا محسوب می‌شد و





ساکنان روستا عموماً به گویش محلی صحبت می‌کردند. با توسعه گردشگری از اهمیت گویش محلی کاسته شده و تا اندازه‌ای استفاده از زبان فارسی اهمیت پیدا کرده است. اگرچه گویش محلی همچنان گویش غالب روستا مخصوصاً میان میانسالان و سالخوردگان روستا محسوب می‌شود، با این حال جوانان روستا تمایلی به یادگیری و استفاده از آن ندارند. سبک ازدواج از دیگر مؤلفه‌های این تحقیق است که میانگین آن (۲/۲۵) بالاتر از حد متوسط بوده است. برای سنجش این مؤلفه از گویه‌های سبک برگزاری ازدواج، سن ازدواج و نوع همسریابی و همسرگزینی توسط والدین برای افراد خانواده استفاده شده است. با توجه به داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، با توسعه گردشگری شیوه برگزاری مراسم ازدواج دچار تغییراتی شده است؛ به طوری که مراسم و مناسک سنتی روستا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و سبک برگزاری ازدواج به شیوه مرسوم انجام نمی‌گیرد. همچنین اگرچه در اغلب موارد همسریابی توسط افراد خانواده برای جوانان انجام می‌گیرد، با این حال نقش جوانان در این میان در قیاس با گذشته پررنگ‌تر شده است. سن ازدواج نیز در میان پسران و دختران روستا افزایش یافته است. مؤلفه دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت، ارتباطات خانوادگی است. این مؤلفه با گویه‌های احترام به پدر و مادر از سوی افراد خانواده، احترام به بزرگ‌ترهای روستا، زمان‌های دیدن یکدیگر توسط افراد خانواده، همدلی و همدردی افراد خانواده با یکدیگر، مسئولیت‌پذیری اعضای خانواده و احساس امنیت و خوشبختی در خانواده سنجیده شد. میانگین این مؤلفه ۱/۷۷ محاسبه شده است. از این رو، می‌توان گفت که ساکنان روستا معتقدند که توسعه گردشگری در ارتباطات خانوادگی آنها تغییری ایجاد نکرده است. همچنین به اعتقاد ساکنان روستا با توسعه گردشگری در هویت افراد روستا نیز تغییری ایجاد نشده است. این مؤلفه که میانگین آن ۱/۷۵ محاسبه شده است با گویه‌های پاسداشت عیدها و سنت‌ها، توجه به میراث فرهنگی، افتخار به روستایی بودن، میزان تعصب به فرهنگ و آداب و رسوم روستا، اعتماد به نفس و توجه به توان خود مورد بررسی قرار گرفته است. اعتقادات مذهبی با میانگین ۱/۶۸ دیگر مؤلفه‌ای است که ساکنان تغییری در آن احساس نکرده‌اند. این مؤلفه با گویه‌های میزان شرکت در نماز جمعه، میزان رفتن به مسجد، میزان شرکت در جلسات قرآن، میزان شرکت در جشن‌ها و عزاداری‌های مذهبی و توسل به ائمه (ع) سنجیده شده است.

بحث و نتیجه گیری

حفظ فرهنگ‌های بومی به این دلیل ضرورت دارد که این فرهنگ‌ها نشانگر تاریخ و مدنیت یک سرزمین هستند؛ فرهنگ‌های بومی برای یک کشور هویت‌ساز هستند. وحدت و انسجام ملی در عین تکثر عرف‌ها و هنجارهای بومی، بیانگر قدرت یک ملت خواهد بود. به حاشیه رفتن فرهنگ‌های بومی زیر سایه سیطره فرهنگ غالب شهری خود آسیبی جدی است که باید برای آن چاره‌ای اندیشید. یکی از مسیرهای برقراری سیطره فرهنگ شهری، گردشگری است؛ به‌ویژه گردشگری از شهر به روستا. گردشگران شهری که از شهر به روستا سفر می‌کنند تا دمی چند از مشکلات شهر و شهرنشینی بیاسایند، بدون آگاهی از بایسته‌های اجتماعی و فرهنگی زندگی روستایی، همواره با خود آسیب‌هایی را برای فرهنگ بومی و متعاقباً زندگی اجتماعی روستاییان به همراه می‌آورند. روستای آسیاب‌سر یکی از مقاصد گردشگران شهری است که در سال‌های اخیر مورد هجوم بی‌رویه گردشگران شهری قرار گرفته است. ارزان بودن قیمت زمین و مسکن در این منطقه، انگیزه‌ای برای شهرنشینان نقاط دور و نزدیک شده است تا در این روستا به ساخت‌وساز سازه‌ها و به‌اصطلاح ویلاهای تفریحی بپردازند. این اماکن باعث سکونت طولانی‌مدت ساکنان شهرهای مختلف در روستای آسیاب‌سر شده است و این تداوم و طولانی‌شدن سکونت خود عاملی برای گسترش تعامل با بومیان روستا شده که این امر متعاقباً سبب انتقال الگوهای فرهنگی به بومیان روستای آسیاب‌سر گشته است.

موضع بالا به پایین شهر نسبت به روستا تا حد زیادی سبب انتقال الگوهای فرهنگی به صورت یک‌سویه از شهری‌ها به روستایی‌ها شده است. این اتفاق به‌ویژه در میان قشر جوان بیشتر شایع بوده است. این مسئله سبب شده است که همین قشر جوان که قرار است الگوهای فرهنگی بومی را حفظ کنند و تداوم بخشند، تا حد زیادی از فرهنگ خود بیگانه شوند و در جست‌وجوی تغییر باورهای فرهنگی‌شان برآیند. از سوی دیگر، موقعیت برتر شهر نسبت به روستا به لحاظ امکانات رفاهی و فناوریانه، سبب تعمیم برتری به سطح فرهنگی نیز شده است. کنشگر شهری که خود را در موضعی برتر می‌بیند، اجازه خودبرتری در سطح فرهنگی را نیز برای خود قائل می‌شود. از سوی دیگر، کنشگر روستایی نیز موضع پست و مادون را پذیرفته است. این موضوع به‌مثابه



یک رابطه متقابل عمل می‌کند که از سطح ذهنی به سطح عینی (مصنوعات فرهنگی، لباس و پوشش، عادات و رفتارها و ...) منتقل می‌شود و دوباره به سطح ذهنی و باورهای فرهنگی (ارزش‌ها، هنجارها، عقاید و باورها و ...) انتقال می‌یابد. تمام این عوامل دست به دست هم می‌دهند تا مسیر انتقال فرهنگی از بالا به پایین (از شهرنشینان به روستاییان) هموار شود.

یافته‌های این پژوهش نیز حاکی از آن است که گردشگری در حوزه مورد مطالعه در بروز تغییرات فرهنگی مؤثر بوده است. در این پژوهش رابطه گردشگری و تغییرات فرهنگی با مؤلفه‌های سبک پوشاک، مصرف مواد غذایی، گسترش مصرف‌گرایی، زبان و گویش بومی، ارتباطات خانوادگی، هویت، سبک ازدواج و اعتقادات مذهبی مورد سنجش قرار گرفته است. مطابق نتایج به دست آمده، گردشگری بر پنج مؤلفه سبک پوشاک، مصرف مواد غذایی، گسترش مصرف‌گرایی، زبان و گویش بومی و سبک ازدواج تأثیر گذاشته است و بر سه مؤلفه ارتباطات خانوادگی، هویت و اعتقادات مذهبی تأثیری نداشته است. بر این اساس به نظر می‌رسد که در تغییر فرهنگی ابتدا جنبه‌های صوری و ظاهری فرهنگ تغییر می‌کنند و ایجاد تغییر در جنبه‌های درونی فرهنگ نیازمند زمانی طولانی‌تری است و تحول سریع آن به سرعت امکان‌پذیر نیست.

همان‌طور که ذکر شد حفظ فرهنگ‌های بومی برای هر جامعه و هر فرهنگی دارای ضرورتی اساسی است؛ از این رو مقتضی است که سیاست‌های اجتماعی- فرهنگی در حوزه گردشگری روستایی به سمت حفظ ارزش‌ها و فرهنگ بومی سوق داده شود تا از بروز مشکلات در ناحیه‌های هدف گردشگری جلوگیری به عمل آید.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی فرهنگ. تهران: نشر علم.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۷۶). دگرگونی فرهنگی و زمینه‌های نفوذ فرهنگی بیگانه. فصلنامه فرهنگ، ۲۲ و ۲۳، ۴۹-۷۸.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸). فرهنگ‌شناسی، گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن. تهران: نشر قطره.
- پورطاهری، مهدی؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و حسینی، نعمت‌الله (۱۳۹۰). نقش میراث فرهنگی در کیفیت زندگی ساکنان روستایی، مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان لامرد. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۱ (۳۳)، ۸۳-۱۰۰.
- تریاندیس، هری س. (۱۳۸۸). فرهنگ و رفتار اجتماعی. ترجمه نصرت فتی، (چاپ سوم)، تهران: انتشارات رسانش.
- تولائی، سیمین و شاهدی، ناصر (۱۳۷۸). ارزیابی آثار دموگرافیک و فرهنگی گردشگری در سریعین اردبیل. فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۱۱، ۱۹۱-۲۰۶.
- جلالی مقدم، مسعود (۱۳۷۷). تحول فرهنگ. ماهنامه کیهان فرهنگی، ۱۴۴، ۶۸-۷۲.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸). رسانه و فرهنگ‌سازی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۸، ۱۷۹-۲۰۸.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۷۹). زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی (چاپ پنجم). تهران: انتشارات عطار.
- ریویز، کلود (۱۳۷۹). درآمدی بر انسان‌شناسی. ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- زند و کیلی، مهدی (۱۳۸۳). مردم‌شناسی فرهنگی. قم: انتشارات زمزم هدایت.
- شمس، مجید و امینی، نصیره (۱۳۸۸). ارزیابی شاخص فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در توسعه گردشگری. فصلنامه جغرافیای انسانی، ۱ (۴)، ۸۱-۹۳.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶). مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی. تهران: انتشارات ققنوس.
- عبدی، عباس (۱۳۸۹). چهار پژوهش در جامعه‌شناسی فرهنگ. تهران: نشر ثالث.
- عینالی، جمشید؛ فراهانی، حسین و رومیانی، احمد (۱۳۹۲). ارزیابی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه گردشگری روستایی با تأکید بر خانه‌های دوم (مطالعه موردی: دهستان حصار و لیعصر، شهرستان بوئین‌زهرا). فصلنامه برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری، ۲ (۶)، ۵۲-۷۴.
- فاستر، جرج مک‌لاند (۱۳۷۸). جوامع سنتی و تغییرات فنی. ترجمه سیدمهدی ثریا، تهران: نشر افرا.
- مخدوم، مجید (۱۳۷۲). شالوده‌آمایش سرزمین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهدوی، مسعود؛ قدیری معصوم، مجتبی و قهرمانی، نسرين (۱۳۸۶). اثرات گردشگری بر توسعه روستایی با نظرسنجی از روستائیان. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱ (۲)، ۳۹-۶۰.
- ناطق‌پور، محمدجواد (۱۳۸۰). توسعه و تحولات فرهنگی: مبانی و راهبردها (چاپ اول). تهران: انتشارات آرون.



- نقوی، محمدرضا؛ پایدار، ابوذر و محمودی، سمیرا (۱۳۹۲). نقش مدرنیته (نوگرایی) در تغییرات فرهنگی مناطق روستایی با استفاده از مدل تشابه به حد ایدنال (TOPSIS) نمونه موردی: دهستان شهدا بهشهر. فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضایی، ۱۷ (۱)، ۱۰۵-۱۲۷.
- نیک‌بین، مهنا و کرمی، مهرداد (۱۳۹۱). بررسی پایداری اجتماعی-فرهنگی توسعه گردشگری؛ مطالعه موردی: جزیره کیش. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲، ۱۳۷-۱۵۸.
- واگو، استفان (۱۳۷۳). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییر اجتماعی. ترجمه احمدرضا غروی‌زاده، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).
- یزدخواستنی، گیسو؛ قاسمی، وحید و وحید، فریدون (۱۳۹۰). رابطه تماس‌های بین‌فرهنگی و هوش فرهنگی؛ تحلیل نظری و تجربی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۲، ۱۳۳-۱۶۲.
- Chongloi, L. (2013). *Culture change among the kuki; A case study of chalva village in manipur. Journal of North East India Studies*, 3 (1), 18-39.
- Collins, L. R. (1978). Review of hosts and guests: An anthropology of tourism. *Annals of Tourism Research*. 5, 278-280.
- Doh, M. (2006). *Change through tourism: Resident perceptions of tourism development*. PhD Thesis. Texas A & M University.
- Monterrubio, J., C. Mendoza, M., M., Fernandez M., J. Gulleto, G., s. (2011). Tourism and social change; A qualitative study on community perception in Huatulco, Mexico. *Cuadernos de Turismo*, 28, 255-256.
- Oghabo Agba, A.M., Ikoh, Moses U., Bassey, Antigha O. and Ushie, Ekwuore M. (2010). Tourism industry impact on efik's culture, Nigeria. *International Journal Of Culture, Tourism and Hospitality Research*, 4 (4), 355-365.
- Oppermann, M. (1996). Rural Tourism in Southern Germany. *Annals of Tourism Research*, 23 (1), 86-102.
- Sari, O. (2010). *Tourism as a Tool for Development: The Case of Mawlana Tourism in Konya*. PhD Thesis. Middle East Technical University.
- Shaws, G. and Williams, A. (2002). *Critical Issues in Tourism: A Geographical Review*. United States: Blackwell.
- Soteriades, M. (2002). *Tourism and Environment in Rural Areas*. Available at: www.fund.acbe/prelude. Accepted March 23, 2014.
- Thakhro, Z. (2002). *Culture Change among the Angami Naga*. PhD Thesis, NEHU Shillong.

